

دکتر الین فیلیپس، مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس، جلسه ۵، مطالعات منطقه‌ای: نقب و سینا

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر الین فیلیپس هستم در تدریسش در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس. این جلسه ۵، مطالعات منطقه‌ای: نقب و سینا است.

خب، ما در یک مطالعه منطقه‌ای دیگر هستیم. این بار قرار است با نقب و سینا سر و کار داشته باشیم، به این معنی که کمی به سمت جنوب حرکت کرده‌ایم. با این حال، اول از همه، بد نیست که مروری داشته باشیم. بنابراین، بیایید با نگاهی سریع به کارهایی که تاکنون انجام داده‌ایم شروع کنیم.

ما به رشته‌های مختلفی که در مطالعه جغرافیای تاریخی ما نقش دارند، نگاهی انداختیم و آنها را بررسی کردیم. یک ساعت را صرف باستان‌شناسی کردیم و اساساً فقط خودمان را وسوسه کردیم که بفهمیم باستان‌شناسی چقدر چیزهای بیشتری را در بر می‌گیرد. پس از آن، مروری سریع بر خاورمیانه داشتیم و سپس بر مناطقی از خود کشور تمرکز کردیم.

و در نهایت، به جایی رسیدیم که واقعاً می‌خواهیم باشیم، که مطالعات منطقه‌ای است. و اولین کار ما این بود که یک برش، یک مقطع عرضی، از بیابان در شرق، به سمت غرب، تا دشت فلسطین در دریای مدیترانه برداریم. حالا، فقط یک تمرکز سریع، دوباره، قبل از اینکه به مطالعه منطقه‌ای بعدی خود برویم، مروری بر آنچه که در آخرین مطالعه منطقه‌ای وجود داشت، خواهیم داشت.

بنابراین، بررسی بیشتر. مطالعه منطقه‌ای شماره یک، ما واقعاً به طبیعت بکر نگاه کردیم. و یکی از چیزهایی که متوجه شدیم این است که زمین‌شناسی مهم است.

زمین‌شناسی همیشه مهم خواهد بود. و از آنجا که آنجا مکانی بایر است، و همانطور که فهمیدیم، در سایه باران قرار داشته، متوجه شدیم که برای اکثر مردم، اینجا مکانی برای عبور و مرور است، نه لزوماً برای زندگی. اگرچه کسانی بودند که به منطقه بیابانی عقب‌نشینی کردند. سپس به منطقه تپه‌ای نگاه کردیم.

قرار است بعداً در این جلسه، نه فقط در این جلسه، بلکه در کل مرور کلی جغرافیا و مطالعات منطقه‌ای، در مورد کشورهای تپه‌ای مختلف صحبت کنیم. اما ما به بررسی منطقه تپه‌ای یهودا پرداختیم و صادقانه بگویم، متوجه شدیم که جای بسیار خوبی برای زندگی است. منابع آب، خاک عالی و غیره.

ما همچنین یک سفر کوتاه به دشت فلسطین، دشت ساحلی درست کنار دریای مدیترانه، داشتیم و متوجه شدیم که چون واقعاً منطقه‌ای است که سفرهای زیادی از آن عبور می‌کند، منطقه‌ای جهان‌شهرتر، ما همچنین به طور خلاصه بر این واقعیت تمرکز کردیم که پنج شهر بزرگ فلسطین وجود دارد. ما در مورد آنها صحبت کردیم زیرا آنها مهم هستند، به خصوص در دوره گذار به سلطنت. و سپس آخرین، اما مطمئناً نه کم‌اهمیت‌ترین، در واقع، بسیار مهم، این منطقه شمله بود.

فقط جهت یادآوری، این کلمه به معنی کوهپایه یا زمین‌های پست است. و ما به واسطه جغرافیا، باز هم جغرافیا بسیار مهم است، کشف کردیم که آن دره‌های شرقی-غربی که شمله را تشکیل می‌دهند، مسیرهای تهاجمی بزرگی از منطقه دشت ساحلی به سمت تپه‌ها بوده‌اند. این یک مرور است.

کاری که امروز، همین الان، قرار است انجام دهیم این است که به سمت جنوب برویم و رویکردی بسیار گسترده‌تر را در پیش بگیریم، نه تنها نقب، بلکه نگاهی سریع به مصر، زیرا مصر، البته، از بسیاری جهات تأثیر زیادی بر زندگی قوم خدا داشته است. و سپس این ساعت خاص را با نگاهی به سینا به پایان می‌رسانیم. بنابراین اول از همه، نقب.

برای کسانی که از نقشه‌های منطقه‌ای، آن‌هایی که نقشه‌های پس‌زمینه کتاب مقدس هستند، استفاده می‌کنند، این‌ها نقشه‌های شماره دو و چهار برای اهداف علامت‌گذاری شما هستند. اما اول از همه، در اینجا شماتیکی نه تنها از خود نقب، بلکه از منطقه‌ای که نقب بزرگ نامیده می‌شود، آورده شده است. این یک نوع مطالعه منطقه‌ای جالب است زیرا ما یک نقب بزرگ داریم.

و اگر به این خطوط نقطه‌چین اینجا نگاه می‌کنید، الان یک علامت‌گذاری مصنوعی است. اما اساساً، اینجا ما در انتهای شمالی خلیج ایلات هستیم. و در ذهنتان، آن خط نقطه‌چین را تا غزه دنبال کنید.

و این خط مصنوعی ما از نقب بزرگ به غرب خواهد بود. سپس، اگر دره ریفت را دنبال کنیم، آن نوعی مرز شرقی خواهد بود. و سپس خطی را از اینجا عبور می‌دهیم، و یک مثلث بزرگ می‌بینیم که نقب بزرگ را تشکیل می‌دهد.

ضمناً، همانطور که در بالا اشاره کردم، خود کلمه نقب هم به معنای جنوب است و این نشان می‌دهد که در جنوب جایی است که قوم خدا روی هم رفته خود را کاشته اند. اما همچنین به معنای خشک نیز هست. و این مناسب است، همانطور که وقتی شروع به صحبت در مورد منابع آب می‌کنیم، خواهیم دید.

خود نقب کتاب مقدس خیلی کوچکتر است. بنابراین، اگر به این نقشه نگاه می‌کنید، من فقط می‌خواهم با چراغ سبز کوچک اینجا به چیزی که می‌خواهیم روی آن تمرکز کنیم اشاره کنم، زیرا نقب بزرگ ما این مثلثی بود که همین الان دیدیم.

حالا، همانطور که روی نقب کتاب مقدس کار می‌کنیم، می‌خواهیم ببینیم آیا می‌توانیم اشاره‌گر خود را اینجا قرار دهیم یا نه. ما اساساً در مورد دو حوض در نقب کتاب مقدس صحبت می‌کنیم. مطمئن نیستیم که آیا نسخه چاپی از نظر فاصله برای شما در دسترس است یا خیر، اما ما یک حوض درست اینجا داریم.

این حوضه نقب شرقی است، یکی در شرق بئر شبع. و اینجا حوضه نقب غربی مشخص شده است. اگر برایتان مفید باشد، من اغلب از دانش‌آموزانم خواسته‌ام که نقب کتاب مقدس را چیزی شبیه به یک پاپیون تصور کنند.

برای آن دسته از شما که عمو، عمه یا پدر بزرگ و مادر بزرگی دارید که هنوز آن چیز فوق‌العاده به نام پاپیون را می‌پوشند، می‌دانید که یک بال آن بیرون زده است، یک بال دیگر آن بیرون زده است. و تقریباً در مرکز اینجا به همین دلیل است که پاپیون وجود دارد، یک برآمدگی کوچک وجود دارد، و آن منطقه اطراف بئر شبع خواهد بود. بنابراین، به هر حال، اینها دو حوضه‌ای هستند که ما با نقب کتاب مقدس داریم.

و می‌بینید که این منطقه بسیار فشرده‌تر است. اگر به این نقشه توپوگرافی نگاه کنید، این حوضه شرقی برای ما مفید است زیرا می‌بینیم که نشانه‌هایی از ارتفاعات در اینجا وجود دارد. آنها از شمال شرقی به جنوب غربی امتداد دارند.

اتفاقاً آنها از سنگ آهک ما تشکیل شده‌اند، و ما سنگ آهک و گچ را به طور متناوب با هم می‌بینیم. و اگر آن عبارت دوم را بخوانید، کلمه‌ای را می‌بینید که احتمالاً در زبان انگلیسی رایج خود نمی‌شناسید. هر زمان که یک را در انتهای کلمه‌ای که از عبری آمده است می‌بینید، به شما می‌گوید که آن کلمه جمع است IM

و بنابراین اینجا ما در مورد «ماختش» مفرد و «مختاشیم» جمع صحبت می‌کنیم. و «ماختش» چیست، یک نوع دهانه یا کاسه است، و چیزی در توپوگرافی است. از نظر زمین‌شناسی، از نظر اینکه چرا این دهانه یا کاسه تشکیل شده است، دلایل جالب زیادی وجود دارد.

اما فعلاً، فقط آن را تشخیص دهید. یک دهانه کوچک وجود دارد. یک دهانه بزرگ نیز وجود دارد.

دهانه کوچک آتشفشانی درست همین حوالی است. بازدید و پیاده‌روی در آن لذت‌بخش بود. یک دهانه بزرگ و یک دهانه بسیار بزرگ هم وجود دارد.

بنابراین اگر دوست دارید به کاسه کوچک، کاسه بزرگ و سوپر کاسه فکر کنید، می‌توانید آن را به عنوان یکی از راه‌های به خاطر سپردن آن در نظر بگیرید. علاوه بر این، ما نامی داریم که احتمالاً کمی بیشتر با آن آشنا هستید و آن بیابان زین است. بنابراین، اگر می‌توانید نشانگر سبز من را آنجا ببینید، کمی از منطقه شمال-جنوب ما بین خلیج ایلات و دریای مرده، یک منطقه خشک، فاصله دارد.

کمی به سمت این منطقه که در غرب آن دره ریفت قرار دارد، هجوم آورده‌ایم. بنابراین، طبیعت وحشی زین و البته ما آن را می‌بینیم، و کمی بیشتر در مورد تاریخ آن صحبت خواهیم کرد. همچنین یک مکان بسیار جالب به نام صعود عقرب‌ها، اکرابین، وجود دارد، و اکرابین یک عقرب است، و می‌بینید که دوباره دارم بحث را تمام می‌کنم.

و این صعود عقرب‌ها است. ماجرا از این قرار است. ما همیشه باید، هر زمان که در هر کجای این سرزمین هستیم، به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم به راحت‌ترین شکل از یک مکان به مکان دیگر برویم.

و بنابراین بیاید فقط بگوییم که شما اینجا روی این خط قرمز هستید. این خطوط قرمز همیشه نشانگر مسیرهای سفر خواهند بود. و شما باید از آنچه در زیر سطح دریا است، منطقه دریای مرده و خود آراوا، و از این قله بالا بروید.

بله، ارتفاع در این نقطه کمی کمتر می‌شود، اما شما سعی دارید به غزه بروید. بعداً در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد. اگر تاجر ادویه هستید و از این منطقه ادویه می‌خرید و از جنوب و شرق به یک بندر مدیترانه‌ای می‌رسید، غزه نمونه خوبی است، شاید بخواهید این کار را انجام دهید.

بنابراین اساساً، آنچه در زمینه صعود به اکرابیم اتفاق می‌افتد این است که این منطقه، جایی بود که می‌توانستیم از این منطقه پست، تقریباً در انتهای دریای مرده، به بالای آن صخره ریفتی برسیم و سپس به مناطقی از حوضه شرقی نقب برویم و ادامه دهیم. این به ما کمی درک می‌دهد که چه چیزی با افرادی که در منطقه نقب سفر می‌کنند یا زندگی می‌کنند، روبرو است. من لحظه‌ای پیش گفتم که آب بسیار مهم است زیرا ما در مورد منطقه‌ای صحبت می‌کنیم که بارندگی زیادی ندارد، حداکثر ۱۲ اینچ باران در سال.

باز هم، اگر به نقشه‌مان توجه کنیم، این به ما دیدگاه دیگری از نظر یک نقشه‌کش یا نقشه‌کش می‌دهد. اما این حوضه غربی ماست. این هم حوضه شرقی

دوباره، اگر کمی می‌کند، پاپیون را در نظر بگیرید، و یک برآمدگی کوچک درست در اطراف آن ناحیه. آن نقطه قرمز را می‌بینید، و بثرشبع را هم درست همانجا می‌بینید. خوب، بیایید ببینیم چطور کار می‌کند.

روی این نقشه، مجموعه‌ای از سیستم‌های وادی وجود دارد. صرفاً جهت یادآوری است که وادی، در بیشتر مواقع سال، بستر رودخانه‌ای خشک است. اما مناطقی را نشان می‌دهد که در آنها جریان‌های آبی توسعه یافته‌اند.

و مثلاً فرض کنید همین جا در هبرون، هبرون، هبرون، باران می‌بارد. آنجا در بالای تپه‌ها قرار دارد. مقداری از آن باران به سمت شرق، مقداری به سمت غرب و مقداری هم به سمت جنوب جاری خواهد شد.

و بنابراین این سیستم وادی که از هبرون شروع می‌شود، سیستم وادی هبرون نامیده می‌شود. این سیستم در بثرشبع به سیستم وادی بثرشبع که مشغول زهکشی حوضه شرقی نقب بوده است، ملحق خواهد شد. نه تنها یک مسیر وادی واحد، بلکه انواع شاخه‌های کوچک که به آن وارد می‌شوند را در نظر بگیرید.

این آب سپس به بیرون ادامه پیدا می‌کند و به سیستم بسور می‌پیوندد که کل این منطقه را به اینجا زهکشی می‌کند. بنابراین این موضوع مهم است زیرا اگرچه بارندگی زیادی وجود ندارد، اما وقتی باران می‌بارد و آب به پایین نفوذ می‌کند، تعداد قابل توجهی مخزن آب زیرزمینی بسیار بزرگ در این منطقه وجود دارد. قبلاً به این موضوع اشاره کردم، میزان بارندگی ما در منطقه نقب به طور متوسط ۸ تا ۱۲ اینچ در سال خواهد بود.

البته، هر چه به سمت غرب برویم، باران کمی بیشتر خواهد بود. این یکی از اصول ماست. هر چه به سمت شرق برویم، باران کمتر می‌شود.

ما قبلاً در مورد نوع خاک صحبت کرده‌ایم و همانطور که انتظار می‌رود، بخش زیادی از خاک منطقه نقب خاکی خشک، نرم و پودری خواهد بود که باد آن را وزیده است. خاک کم و بیش در واقع، اشعیا ۱: ۲۱ در مورد گردبادها در نقب صحبت می‌کند و می‌توانید به خوبی آن را درک کنید، زیرا باز هم، این گرد و غبار در هوا پخش می‌شود.

این را به چیزی که ما همسین نامیده‌ایم اضافه کنید، و شما با یک زمینه واقعاً دشوار برای زندگی و به همین ترتیب، نفس کشیدن نیز مواجه خواهید شد. وقتی می‌خواهیم به این موضوع منابع آب بپردازیم، واضح است که به چاه‌ها فکر خواهیم کرد. من لحظه‌ای پیش اشاره کردم که مخازن آب زیرزمینی وجود دارد زیرا ما هنوز در اینجا در مورد سنگ آهک صحبت می‌کنیم و بنابراین، تعداد قابل توجهی از مخازن طبیعی نسبتاً بزرگ، در برخی موارد، در آنجا وجود خواهد داشت و بنابراین، می‌توانید چاه حفر کنید، و چاه‌ها در وادی‌ها حفر می‌شوند.

حالا، بدیهی است که اگر به برخی از روایت‌های پدرسالارانه خود فکر می‌کنید، به ابراهیم و اسحاق فکر خواهید کرد، و ما واقعاً به آنها باز خواهیم گشت. با این حال، ابتدا می‌خواهیم کمی با برخی از شهرهای بزرگ اینجا آشنا شویم. بدیهی است که تعداد زیادی از آنها را نداریم، اما برخی از آنها بسیار مهم هستند.

برخی نام‌ها در متن کتاب مقدس و مطالب خارج از کتاب مقدس نیز آمده‌اند. اگر دوباره به حوضه نقب شرقی ما نگاه کنید، همینجا، و سپس کمی به سمت شرق حرکت کنید، اگر بتوانید نوشته‌های ریز کنار نشانگر سبز من را بخوانید، نام آن آراد است. حال، این موضوع انواع مسائل جالب را از نظر آراد کتاب مقدس، آراد باستان‌شناسی مطرح می‌کند، اما برای اهداف ما، آن را به عنوان آراد در نظر بگیرید، زیرا ما قصد داریم بیشتر بر اساس دوره بنی اسرائیل، دوره بنی اسرائیل عصر آهن، زمانی که اسرائیل در سلطنت بود، و به ویژه، ما قصد داریم در مورد سلطنت تقسیم‌شده، پادشاهی جنوبی صحبت کنیم.

آراد در این زمینه واقعاً مهم خواهد بود. من به آراد برمی‌گردم زیرا آراد شهری بسیار بزرگتر از شهر بنی‌اسرائیل بود. اگر به اصطلاح برنز اولیه اشاره کنم، برایتان جالب خواهد بود.

شما به ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد فکر خواهید کرد، و آراد هم در آن زمان یک سکونتگاه بوده است. اما، در ادامه‌ی بحث در مورد سایت‌هایمان، من قبلاً چندین بار در مورد بئرشع صحبت کرده‌ام، همانطور که نقشه را مرور می‌کردیم. و بنابراین، از آراد در شرق تا اینجا، بئرشع در مرکز قرار دارد، پاپیون، برآمدگی کوچک قوس پاپیون، و آنجا جایی است که ما واقعاً محل اتصال حوضه‌هایمان را داریم.

باز هم، کمی تفاوت وجود دارد، مثلاً اینکه بئرشعی که ابراهیم می‌شناخت، در مقایسه با بئرشع امروزی و منطقه بئرشع امروزی کجا بوده است، اما به زودی به آنها برمی‌گردم. سوم، ما اینجا زمان زیادی را صرف نمی‌کنیم، اما می‌خواهیم دو مکان دیگر را هم بررسی کنیم. اگر با دقت نگاه کنید، جرار را همین حوالی خواهید دید و زیقلاغ هم در همان منطقه عمومی قرار دارد.

بنابراین، آنها در لبه غربی آن حوضه غربی قرار خواهند گرفت. جرار برای ابراهیم و صقلخ برای داوود مهم خواهند بود. بنابراین، به آنها برمی‌گردیم.

من قصد ندارم وقت زیادی را صرف این شهرهای خاص کنم. اگر این کلاسی بود که کمی بیشتر وقت داشتیم تا حتی به برخی از این شهرهای نبطی برویم و از آنها بازدید کنیم، حتماً این کار را می‌کردیم، اما لازم است چند نکته را بگویم. وقتی اصطلاح نبطی را می‌بینید، چیزی نیست که ما از متن کتاب مقدس بشناسیم، اما واقعاً یک گروه قومی مهم هستند.

نبطی‌ها کسانی بودند که در نحوه زندگی در بیابان بسیار ماهر بودند. می‌توان آنها را بادیه‌نشین‌های حدود سال پیش، شاید کمی کمتر، دانست. آنها در ابتدا به این منطقه از ادوم آمده و در آنجا ساکن شده ۲۰۰۰ بودند.

در واقع، پترا، اگر نام پترا را شنیده باشید، شهر بزرگ قرمز رنگ در ماسه‌سنگ، شهر نبطی‌ها، که در سال ۳۱۲ قبل از میلاد مسیح بنا شد، در آنجا توسعه یافت و بعدها توسط رومی‌ها تصرف شد. وقتی به ماوراء اردن می‌رسیم، به این موضوع خواهیم پرداخت. اما نبطی‌ها در جابجایی ترافیک در این منطقه نقب فوق‌العاده ماهر بودند، درست است؟ بنابراین، آنها می‌دانستند چگونه از این گذرگاه‌های دشوار، صعوده‌های دشوار عبور کنند.

آنها می‌دانستند آب کجاست، و در واقع در قرن‌های اولیه سکونتشان، تجارت ادویه از اینجا را کنترل می‌کردند، زیرا از منطقه ادوم ماوراء اردن به کل این منطقه نقل مکان کردند. سرانجام، با گذشت زمان، با ورود رومی‌ها و به دست گرفتن تجارت ادویه‌ای که قبلاً کنترل می‌کردند، فرهنگ نبطی‌ها مستقر شد و سپس آنها یاد گرفتند که چگونه کشاورزی کنند و در مدیریت آب و منابع آبی واقعاً خوب شدند. بنابراین، اگرچه ما زمان زیادی را صرف صحبت در مورد آن نخواهیم کرد، شهرهای آودات، شیفتا، نیتسانا و مامشیت هنوز هم، به عنوان مکان‌های باستان‌شناسی، مکان‌های فوق‌العاده‌ای برای دیدن چگونگی برخورد فرهنگ‌های نبطی با آب هستند.

بعداً، فقط به عنوان یک نکته، دوباره، ما در این سخنرانی وقت نداریم که به آنجا برویم، اما نبطی‌ها به مسیحیت گرویدند. و بنابراین، در تعدادی از این شهرهای نبطی، ما همچنین کلیساها و صومعه‌های واقعاً جالبی می‌بینیم. بنابراین، اینها مکان‌های اصلی ما خواهند بود، حتی اگر خارج از صحرای نقب باشند.

ما می‌خواهیم همین جا، تقریباً در حاشیه، به قادش برنیه اشاره کنیم. اگر به آن خط نقطه‌چین که بین انتهای شمالی خلیج ایلات و غزه رسم کردیم نگاه کنید، متوجه می‌شوید که قادش برنیه چقدر نزدیک است. و گمان می‌کنم این نام، وقتی به بنی‌اسرائیل در مسیرشان پس از کوه سینا به سمت سرزمین موعود فکر می‌کنیم، برای ما تداعی می‌شود.

از قادش برنیه است که موسی جاسوسانی را به سرزمین خواهد فرستاد. البته، آنها برمی‌گردند و یک مسیر انحرافی ۴۰ ساله طی می‌شود و آن مسیر در آن منطقه عمومی قرار خواهد گرفت. در این مورد نیز حرف‌های زیادی برای گفتن وجود دارد، اما در این مرحله، باید به سفر خود ادامه دهیم.

بیاپید مکث کنیم و فقط کمی از مطالب روی صفحه را که قبلاً تا حدی به آنها اشاره کردم، بررسی کنیم. باز هم، زندگی یکجانشینی در نعب به این راحتی نبود. آنها قرار بود مردمی حاشیه‌نشین و نیمه‌کوچ‌نشین باشند اما تجارت ادویه، همانطور که گفتیم، بسیار مهم بود.

و بنابراین، تجارت ادویه از طریق نعب، آنها از آن سریالایی بالا می‌آمدند، ببخشید، از دره ریفت، و راه خود را به سمت حوضه شرقی یا از طریق بیابان زین ادامه می‌دادند. خوب، ما از تجارت ادویه به این واقعیت می‌رسیم که بزرگان در واقع سعی می‌کنند در نعب ساکن شوند. آنها به این سو و آن سو حرکت می‌کردند.

ما ابراهیم و اسحاق را آنجا داریم، و کمی قبل‌تر به نام جرار اشاره کردم، و این نام از نظر محل استقرار ابراهیم و اسحاق نام مهمی خواهد بود. می‌دانیم که آنها با ابیملک، پادشاه فلسطینیان، اختلاف نظر دارند. من قصد ندارم وارد هیچ یک از مسائل مربوط به قدمت تاریخی در اینجا از نظر بزرگان و فلسطینیان شوم، اما حداقل برای ما، نبردها و همانطور که گفتم، اختلافات زیادی بر سر اینکه چه کسی حق آب دارد، وجود دارد.

و وقتی روایت‌های پیدایش ۲۱ و ۲۶ را می‌خوانید، به یاد خواهید آورد که آنها در واقع چاه‌ها را مسدود می‌کنند، و سپس باید پیمانی ببندند، و باید سوگند یاد کنند. نام بئرشیع را دارید. بئر به معنی چاه است.

شوا هم به معنای هفت و هم به معنای سوگند است، زمانی که هفت موجود، بره‌هایی که به عنوان بخشی از ادای این سوگند خاص کشته می‌شوند، وجود دارند و این نام قرار است آن را حفظ کند. و سپس ما قبلاً از نظر تاریخی اشاره کردیم، قادش برنیه مکانی است که بنی‌اسرائیل از آنجا به سرزمین موعود فرستاده شدند. جاسوسان فرستاده شدند، اما با آن گزارش بازگشتند.

بنابراین آنها سرگردان هستند و به نظر می‌رسد که در طول این ۳۸ سال عمدتاً در منطقه بیابان زین سرگردان بوده‌اند. پیش از این، من به تازگی یادداشتی گذاشتم مبنی بر اینکه داوود قرار است در مکانی به نام صقلغ، حوضه غربی نعب، مستقر شود. و فقط یک نکته سریع در اینجا، در این دوره زمانی است که داوود در واقع، به دلیل اینکه توسط شائول تعقیب شده بود، و اوضاع بسیار زشت و آشفته‌ای بوده است، به نزد اخیش، پادشاه فلسطینیان، رفته است.

و کاری که اخیش انجام می‌دهد این است که به دیوید مأموریت می‌دهد تا به قول جیم مانسون، کلانتر نعب باشد. و بنابراین، از آنجایی که او در زیکلاگ مستقر است، احتمالاً فقط در حاشیه نیست و با انگشتانش بازی نمی‌کند. او بدون شک بر تمام آن معاملات که در جریان است نظارت دارد.

او همچنین از قبایل جنوبی قبایل یهودا در برابر حمله به عمالیه‌یان محافظت می‌کند. او همچنین کمی با خود اخیش طفره می‌رود زیرا به اخیش می‌گوید که به قبایل یهودا حمله کرده است. بنابراین داوود در صقلغ، مأموریت بسیار جالبی در آنجا داشته است و زمانی را که در آنجا می‌گذراند.

ما می‌توانستیم زمان بسیار بیشتری را نیز در آنجا بگذرانیم، اما این کار را نخواهیم کرد. فقط از نظر برخی از تفاسیر مهم کتاب مقدس، اصطلاح «از دان تا بئرشبع» در درجه اول برای اشاره به، به عبارت سریع، وسعت اسرائیل اداری استفاده می‌شود. بنابراین در حالی که ما یک سلطنت متحد داریم، وقتی از دان تا بئرشبع را می‌بینید، متوجه می‌شوید که متن از شمال درباره اسرائیل صحبت می‌کند، زیرا دان قرار است مکانی در شمال باشد.

بعداً به این موضوع خواهیم پرداخت. و بئرشبع، می‌دانید، محل آن است و این به نوعی مرز جنوبی ما خواهد بود. آیا بنی‌اسرائیل کمی بیشتر به سمت جنوب می‌روند؟ بله، هر از گاهی این اتفاق می‌افتد.

آیا آنها کمی بیشتر به سمت شمال می‌روند؟ در واقع، به خصوص در دوران سلطنت داوود و سلیمان. اما از دان تا بئرشبع، نکته ژئوپلیتیکی ما در اینجا است. و بعد لحظه‌ای پیش اشاره کردم، ما واقعاً این گروه از مردم به نام نبطی‌ها را داریم که به همراه بقیه امپراتوری روم در قرن چهارم به مسیحیت گرویدند.

این چیزی است که باید در مورد تاریخ بگویم. اینها فقط چند عکس هستند تا کمی از آنچه که از تجربه نقب به دنبال آن هستیم یا انتظار داریم به ما نشان دهند، و من سعی می‌کنم در ادامه کمی تفسیر هم ارائه دهم. اگر از نزدیک به آن عکس نگاه کنید، خوب، مقداری سبزی را اینجا در همان حوضه این بیابان با مسیر آب همانطور که از میان آن عبور می‌کند، می‌بینید.

اما روی هم رفته، پراکنده و خالی از سکنه است. اگر می‌خواهید از اندازه آن مطلع شوید، اتفاقاً من آنجا ایستاده‌ام.

بنابراین این به شما کمی دیدگاه در مورد فاصله و اندازه می‌دهد. ما از غرب به شرق نگاه می‌کنیم. بنابراین در آن سوی چیزی که می‌تواند «عراوه» باشد، آن پهنه بایر در جنوب انتهای جنوبی دریای مرده و به سمت ما واردن.

این فقط به تصویر کوچک از اون تپه‌های سنگ آهکی هست که بهشون ارتفاعات نگو می‌گن. همینطور که با دقت به این نگاه می‌کنید، می‌خوام به چیزی ببینید، چون، بله، در واقع، توده‌های سنگی از این چیزها، اما اینجا به زمین زیر کشت خیلی کوچیک داریم. و دلیل اینکه این اتفاق می‌افته اینه که مردمی که الان اونجا زندگی می‌کنن از همون اصولی پیروی می‌کنن که مردم در دوران باستان پیروی می‌کردن.

وقتی باران می‌بارد، اگر مانعی در یکی از آن مسیرهای آب وجود داشته باشد، باعث می‌شود آب جاری کند شود تا از میان این خاک سست نفوذ کند و به اندازه کافی مخزن داشته باشد تا گیاهان رشد کنند. نبطی‌ها این کار را می‌کردند، اسرائیلی‌های مدرن نیز همین کار را می‌کنند. در اینجا ما گردهادی در نقب داریم که مقداری از آن خاک، آن گرد و غبار ریز را بلند می‌کند، و بنابراین دوباره به اشعیا ۲۱.۱ در این زمینه توجه داریم.

این یک عکس خیلی قدیمی است. در واقع جاده‌ی پیچ‌تندی را از دوره‌ی قیمومیت بریتانیا نشان می‌دهد، اما من آن را نشان می‌دهم، هرچند قدیمی و تا حدودی قرمز شده است، تا به ما نشان دهد که رفتن از حوضه‌ی دریای مرده به پایین، انتهای جنوبی، جنوب انتهای جنوبی دریای مرده، تمام مسیر به سمت بالا و به این منطقه چگونه است، و سپس مسیرهایی در دوران باستان و حتی در دوره‌ی قیمومیت بریتانیا، و حتی اکنون ادامه می‌یابند. آنها از مکتش، که بخش کوچکی از مکتش است، مکتش کوچک همینجا، عبور می‌کنند و سپس به سمت حوضه‌ی شرقی نقب می‌روند.

فقط چند نکته در مورد یک میله، یک عکس قدیمی دیگر، اما یکی که واقعاً برای ما مفید است. اگر به این نگاه کنید، دو منطقه کلی حفاری را می‌بینید. یکی اینجا، پایین‌تر است، یکی اینجا، بالا، بدون شک، و اگرچه اینها

تنها مناطقی هستند که در آن برهه از زمان حفاری شده‌اند، اما نشانه‌هایی از چیزی که نوعی دیوار محصور در این نقطه بوده را نیز می‌بینید.

ما در درجه اول روی این بخش تمرکز خواهیم کرد، اگرچه کمی هم در مورد آراد پایینی صحبت خواهیم کرد. اینجا روی آراد بالایی ایستاده‌ام و به سمت پایین، به سمت بخشی که دیدیم و پایین‌تر است، نگاه می‌کنم. این بخشی از شهر از اوایل دوره برنز است، به عبارت دیگر، ۳۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد.

جالب است که زنی که این مکان را کاوش کرده، باستان‌شناس روث امیران، در چیزهایی که پیدا می‌کرد اشاره کرد، بنابراین یافته‌ها نشان می‌دهد که در این مدت ارتباطاتی با مصر وجود داشته است و آراد واقعاً یک مرکز بزرگ کارآفرینی با رفت و آمدهای فراوان بوده است. از جمله نکات جالب دیگر در مورد این مکان این است، که هیچ منبع آب طبیعی، هیچ چشمه‌ای ندارد؛ این ما را متعجب نمی‌کند؛ ما در نقب هستیم. اما در اینجا طراحان شهر یک حوضه آبریز ساخته‌اند.

از ابتدا آنجا بوده، اما ساختار آن به گونه‌ای است که در شهر باستانی، هر چیزی که هر زمان باران می‌بارید به اینجا سرازیر می‌شد و درست در آن منطقه چاهی وجود داشت، بنابراین با دقت بسیار از آن مراقبت می‌شد، این منطقه شامل برخی معابد از آن زمان بود و در اینجا برخی از سازه‌های مسکونی نیز وجود دارد. با این حال، تمرکز اصلی ما برای آراد بر روی شهر بالایی خواهد بود.

شهر بالایی، همانطور که فکر می‌کنم لحظه‌ای پیش اشاره کردم، مربوط به دوره بنی اسرائیل است یا نمایانگر آن است، بنابراین عصر آهن است و در آن زمان یک مرکز اداری بسیار کوچک بوده است. حالا چیزهای بیشتری برای گفتن در مورد آن وجود دارد، اما البته ما فقط می‌توانیم روی بخش کوچکی از آن تمرکز کنیم و دو چیز وجود دارد که واقعاً می‌خواهیم به آنها اشاره کنیم. یکی از یافته‌های قابل توجه در آراد، چیزی بود که باستان‌شناسان آن را معبد تشخیص دادند.

حالا اگر به این نگاه کنید، ما یک نمای کلی از این معبد داریم. اینجا حیاط است. اینجا یک محراب بود، یک محراب در فضای باز.

اینجا کمی نزدیک‌تر می‌شوید، اما چیزی که واقعاً می‌خواهیم روی آن تمرکز کنیم همین بخش است، زیرا افرادی که این را کاوش و تجزیه و تحلیل می‌کنند و سعی در باز کردن آن و انجام آن هنر تفسیر دارند، چیزهای بسیار مهمی پیدا کردند. آنها آن را قدس‌القداس می‌نامیدند زیرا دو محراب بخور وجود داشت. آنها از کجا این را می‌دانند؟ زیرا در بالا بقایای بخور سوزانده شده وجود داشت.

ضمناً، اگر به موزه اسرائیل در اورشلیم بروید، می‌توانید برخی از اینها را ببینید. اینها کپی‌هایی از آنها هستند. می‌توانید چیزهای واقعی را ببینید.

آنها همچنین یک سنگ ایستاده پیدا کردند. قبلاً به سنگ‌های ایستاده اشاره کردیم. آنها یکی پیدا کردند، اما وقتی به پایه‌ای که سنگ را پیدا کرده بودند نگاه کردند، که مشخصاً واژگون شده بود، یک فرورفتگی در سنگ دیدند، و بنابراین فرض می‌کنند که سنگ دومی هم آنجا بوده است. و البته بحث‌های زیادی در مورد اینکه آن دو سنگ ایستاده چه چیزی را نشان می‌دادند، وجود داشته است.

آیا آنها، به دلیل نبود اصطلاح بهتر، کوشر بودند و مثلاً نمایانگر دو لوح تورات، سنگ لوح‌ها بودند؟ یا اینکه خیلی کمتر خوب بودند و شاید نمایانگر یک خدا و همسر مؤنثش بودند، که ظاهراً در بافت فرهنگی گسترده‌تر مد بود؟ بلع یا بعل و همسر مؤنثش چیز مهمی بودند. برای اینکه اوضاع در این مرحله حتی مبهم‌تر شود، و

اوه، این موضوع به حدود 20 دقیقه سخنرانی دیگر نیاز دارد، اما قرار نیست منظور را برساند، برخی یافته‌های باستان‌شناسی با کتیبه‌هایی وجود دارند که در مورد یهوه و اشراهِ او صحبت می‌کنند.

و آنها در مکانی نه چندان دور از آراد، کمی دورتر در جنوب مسیر کاروان به نام کونتیلیات اجروود یافت می‌شوند. بنابراین، همانطور که می‌بینید، این موضوع انواع سوالات جالب را مطرح می‌کند. شاید چیزی که برای ما بیشتر مرتبط است این باشد که وقتی به تاریخ اسرائیل و به ویژه سلطنت پس از انشعاب در پادشاهی فکر می‌کنید، و به پادشاهی جنوبی فکر می‌کنید، به دو پادشاه فکر می‌کنید که بسیار بهتر از بقیه آنها بودند.

یکی حزقیا بود، دیگری یوشیا. و همانطور که مردم، همانطور که محققان، روایت‌های اصلاحات حزقیا را که او انجام داد، کنار هم قرار می‌دهند، می‌توانید در مورد آنها در دوم تواریخ ۲۸ تا ۳۱ بخوانید. همانطور که در مورد آنها می‌خوانید، و سپس لایه‌ها را کنار هم قرار می‌دهید، لایه‌های ما را در اینجا، از یافته‌ها را به خاطر بسپارید، معلوم می‌شود که این معبد در مقطعی ویران شده است، و به نظر می‌رسد که گاهشماری آن با گاهشماری اصلاحات حزقیا و تخریب عبادتگاه‌های خارجی مطابقت خوبی دارد.

آیا سوالات جالبی وجود دارد؟ بله، مطمئناً وجود دارد، اما حداقل این یک شروع است. ما در این مرحله به بئرشبع نقل مکان خواهیم کرد، اما می‌خواهم یک چیز دیگر در مورد آراد بگویم. فراموش کردم این اسلاید را بگذارم، اما زندگی اینگونه می‌گذرد.

گفته بودم که در مورد آراد علیا، قلعه‌ی بنی اسرائیل، دو موضوع مهم وجود دارد که باید به آنها پرداخته شود. مورد دوم این است که تعدادی سفال پیدا شده است. در طرف مقابل آن قلعه‌ی بنی اسرائیل، جایی که معبد قرار دارد، اتاقی پیدا کردند که ۱۰۷ سفال داشت، با توجه به اینکه «اوستراکون»، مفرد، یک تکه سفال است که روی آن کتیبه‌ای وجود دارد، یک یادداشت قدیمی.

و این‌ها جذاب هستند. آن‌ها ۳۵۰ سال را در بر می‌گیرند، اما موارد بعدی به طور خاص جالب هستند زیرا نشان‌دهنده فشار شدیدی هستند که از ادوم به سمت جنوب شرقی می‌آمد. و بنابراین، همانطور که بین خطوط را می‌خوانید، حس جالبی به شما دست می‌دهد که در پایان یا نزدیک به پایان سلطنت یهودا، زمانی که آن‌ها با فشار بابل مواجه بودند، با فشار ادوم به سمت جنوب شرقی نیز مواجه بودند، اگرچه در کتاب‌های تاریخی کمتر در مورد این موضوع صحبت شده است.

حزقیال ۲۵ و ۳۵ این را نشان می‌دهد، همانطور که در برخی از آیات، ادوم را در آن زمان محکوم می‌کند. اما حالا بیایید به بئرشبع بپردازیم. مروری سریع بر بئرشبع.

ما در واقع در یک برج یا روی یک برج ایستاده‌ایم. این به ما کمی نمای غربی این تل بئرشبع را می‌دهد. شما اینجا چیزی شبیه به یک خیابان می‌بینید.

شما ساختار یک خانه را می‌بینید. در آن نقطه دیوار بیرونی را می‌بینید. بیایید دوباره روی یک چیز تمرکز کنیم، اگرچه چیزهای بسیار بیشتری وجود دارد که می‌توانیم اینجا در مورد آنها صحبت کنیم.

این یکی از دانشجویان سابق بسیار مطیع من است که دارد کاری را که برخی افراد ناامید در متن عهد عتیق انجام می‌دادند، یعنی چسبیدن به شاخ‌های محراب، نشان می‌دهد. این سازه خاص بازسازی شده است. این یک کپی از آن است.

اصلش در موزه اسرائیل است. اما از روی قطعاتی که در واقع برای استفاده ثانویه در دیوار یک انبار پیدا شده بودند، بازسازی شده است. اما به حس بسیار بسیار واضح شاخ‌ها، آنچه که شاخ نامیده می‌شود، روی این محراب توجه کنید.

نمونه‌های دیگری از این دست در جاهای دیگر کشور یافت شده است، اما این مورد به ویژه جالب بود زیرا به طور خاص در یک بافت تخریب شده و سپس بازسازی شده یافت شد. پیشنهاد این است که، و دوباره، فقط قبل از اینکه به مصر برویم، این را می‌گوییم، پیشنهاد این است که همانطور که حزقیای اصلاحاتی را انجام داد، و شاید شواهدی از آن را در آراد ببینیم، اصلاحات یوشیا ممکن است در آن محراب شاخدار تخریب شده در بئرشیع منعکس شده باشد. در مورد زمینه‌ای که در آن پیدا شده است، چیزهای بیشتری برای گفتن در مورد آن وجود دارد، و همچنین اشاره بسیار جالبی به دروازه بئرشیع وجود دارد، زیرا در کتاب دوم پادشاهان در مورد اصلاحات تحت یوشیا صحبت می‌شود، و در واقع در مورد دروازه بئرشیع صحبت می‌شود.

خب، در حال حاضر وقت پرداختن به برخی ارتباطات جذاب را نداریم. دوست دارم برای سوالات وقت بگذارم، اما می‌خواهیم نگاهی واقعاً سریع به مصر بیندازیم، عمدتاً به این دلیل که، همانطور که لحظه‌ای پیش گفتم، مصر، که واقعاً با رود نیل، مصر علیا، مصر سفلی و منطقه دلتا در اینجا تعریف می‌شود، در طول قرن‌ها تأثیر زیادی بر قوم خدا داشته است. نه تنها در زمان‌هایی که آنجا بودند، نه تنها در زمان خروج، بلکه همانطور که در طول قرن‌ها می‌بینیم، فراغنه مختلفی که سعی در طی کردن آن مسیر بین‌المللی داشتند.

به یاد داشته باشید، ما از اینجا ارتباط عمده‌ای داریم، و بنابراین، به خصوص در سلسله‌های هجدهم و نوزدهم ما، فرعون‌ها به شکلی مهم ظاهر خواهند شد. من لحظه‌ای پیش به مصر علیا و مصر سفلی اشاره کردم، و فقط یادآوری می‌کنم که چون نیل از جنوب به شمال جریان دارد، حتی اگر روی نقشه واقعاً وارونه به نظر برسد، این مصر علیا است، آن مصر سفلی است. از نظر خود مصر، این اساساً با اولین آبشار مشخص می‌شود.

این هم مناطق رسوبی است، اما گرانبی وجود خواهد داشت، منظورم چیست، مکان‌هایی در امتداد منطقه نیل به نام آبشارها وجود دارد. و بنابراین اولین آبشار همانطور که از شمال به جنوب حرکت می‌کنید، به طور کلی مرز جنوبی مصر ژئوپلیتیکی را تعریف می‌کند. من نمی‌توانم به اندازه کافی بر اهمیت نیل از نظر زندگی روزمره و بنابراین، عبادت روزانه مصر، مردم مصر تأکید کنم.

نیازی به گفتن نیست، چیزی که آب و در نتیجه منبع ثابتی از آب و در نتیجه حاصلخیزی کشاورزی و در نتیجه امنیت اقتصادی را فراهم می‌کند. منظورم این است که می‌توانید همه این موارد را بارها و بارها کنار هم بگذارید، همانطور که دیده‌ایم، و نیل به عنوان یک منبع بسیار مهم در نظر گرفته خواهد شد. جشنواره‌های زیادی در اطراف نیل برگزار می‌شد.

ما سازه‌های بزرگ زیادی در این منطقه ساخته‌ایم. اهرام ما، اهرام جیزه، در حال حاضر واقعاً به کلان‌شهر بزرگ ما قاهره نزدیک هستند، اما اینها سه هرم اصلی هستند که اینجا قرار دارند و توسط اهرام کوچک‌تر احاطه شده‌اند. ما در واقع روی یکی از آنها ایستاده‌ایم.

کل این مجموعه حفاری شده است، و کاوش‌های جذابی انجام شده است. مجسمه ابوالهول معروف نیز در این منطقه قرار دارد. و سپس وقتی از این منطقه در اطراف قاهره به سمت جنوب پرواز می‌کنید، تعداد زیادی از این برآمدگی‌های کوچک را در امتداد نیل روی اهرام حفاری شده نیز می‌بینید.

بنابراین، در حالی که ما آنها را می‌بینیم، تعداد بیشتری از آنها وجود دارد تا فقط آنها. در مکانی به نام کارناک، که در جنوب نیل قرار دارد، اگر به دنبال یک اصطلاح مدرن‌تر برای ما هستید، اقصی، اگر می‌خواهید آن را نیز

اضافه کنید. اما در کارناک، ما یک سازه معبدی در حال ساخت داریم که در واقع در قرن ۱۸ قبل از میلاد شروع به ساخت کرده است، که توسط فرعون پس از فرعون به آن اضافه شده است، و زمینه‌های عبادت بسیار مهمی را به آن اضافه کرده است، و همچنین مکان‌هایی که می‌توانستند در مورد چیزهایی که فتح کرده بودند، لاف بزنند.

ما حتی مطالبی داریم که توسط اسکندر کبیر در قرن چهارم پیش از میلاد اضافه شده است. بنابراین، این یک ساختار رو به رشد و مداوم است. می‌خواهیم توجه داشته باشیم که در این مسیر خاص، مجموعه‌ای از ابوالهول‌ها را داریم، و آنها ابوالهول‌های سر قوچ هستند، که کمی غیرمعمول است، اما قوچ بخش مهمی از کل مجموعه خدایانی بود که در مورد آنها صحبت می‌کنیم.

صفوف در اینجا نشان دهنده این واقعیت است که با توجه به اینکه نیل از نظر خدایی بسیار مهم است، فکر می‌کنم درست به خاطر دارم که بیش از ۶۰ روز به جشنواره‌های مذهبی اختصاص داشت و بسیاری از آنها در زمینه اتصال معابد نیل در امتداد نیل برگزار می‌شد. یکی از فرعون‌های سلسله نوزدهم، که احتمالاً شناخته‌شده‌ترین فرعون است، رامسس دوم است. این موضوع به بحث کاملی در مورد تاریخ خروج مربوط می‌شود که در اینجا به آن نمی‌پردازیم، اما اول از همه می‌خواهیم توجه داشته باشیم که او یک سازنده خارق‌العاده بود.

و، بنابراین من فقط می‌خواهم چند نمونه کوچک و معرف به شما نشان دهم؛ خب، اینها کوچک نیستند بلکه نمونه‌ای از نظرات رامسس، اگر بخواهید، درباره خودش هستند. این مجسمه‌ای از رامسس است، یکی از همسرانش اینجا بین زانوهایش قرار دارد، اما اینجا فقط خود سر است، توجه کنید که مار کبری روی تاجی است که او بر سر دارد. در جنوب، حتی فراتر از جایی که اقصی واقع شده است، مکانی به نام آسوان دارید.

در مورد این عکس خاص و آنچه که نشان می‌دهد، نکات جالب زیادی وجود دارد که باید مورد بحث قرار گیرد. اما من فقط این را می‌گویم، چیزی که شما به آن نگاه می‌کنید، بازسازی یکی از معابد مهم رامسس است، و این بازسازی به این معنا نیست که اینها جعلی هستند، بلکه از منطقه‌ای که احتمالاً دچار سیل شده است، منتقل شده‌اند.

وقتی جمال عبدالناصر تصمیم گرفت که روی نیل سدی بسازد، این کار باعث ایجاد دریاچه‌ای پشت آن می‌شد. در واقع دریاچه‌ای پشت آن ایجاد شد و نه تنها این معبد، بلکه تعدادی دیگر را نیز زیر آب می‌برد. آنها زیر آب می‌رفتند.

بنابراین جامعه آثار باستانی در واقع به صورت جهانی گرد هم آمدند و حمایت خود را برای تکه تکه کردن این کوه، و برداشتن این معبد از اینجا، اعلام کردند. راستی، باید این را زودتر می‌گفتم. شما چهار مجسمه از رامسس دارید، درست است؟ این رامسس است، یک، دو، سه، چهار. یک ورودی به آن معبد وجود دارد، و در داخل آن اتاق‌ها پشت سر هم قرار دارند، و تا خود محراب داخلی امتداد دارند، جایی که چهار خدا در قسمت سایه‌دار نشان داده شده‌اند.

اما همه اینها داخل یک کوه مصنوعی قرار داده شده است. اینجا یک کوه مصنوعی است که تقریباً برای جای دادن این معبد ساخته شده است، که سنگ به سنگ، قطعه به قطعه از هم جدا شده، علامت گذاری شده و سپس دوباره به هم متصل شده است. فقط برای اینکه کمی تصور کنید، هر یک از آن مجسمه‌ها ۶۷ فوت ارتفاع دارند، بنابراین این کمی به درک آن کمک می‌کند.

این‌ها گروهی از گوردونی‌های بی‌باک از زمان‌های خیلی قدیم هستند که از آن معبد بازدید می‌کردند. و اینجا آن چهره‌های سایه‌وار و آسمانی را داریم که در داخلی‌ترین بخش معبد رامسس دوم هستند، چهار نفر از آنها همانطور که گفتم، در طول مسیر، دیوار به دیوار، بسیاری از آنها درباره خود رامسس صحبت می‌کنند.

خب، خیلی چیزهای دیگر هم در مورد مصر می‌توان گفت. هنوز حق مطلب را ادا نکرده‌ایم، اما در مطالعه منطقه‌ای مان، می‌خواهیم با صحبت در مورد سینا، به این مورد خاص تا حدودی پایان دهیم. چون بدیهی است که سینا، آن مثلث کوچک، آن صحرای سینا، حلقه ارتباطی مهمی بین فرهنگ مصر و آنچه که قرار است در اسرائیل داشته باشیم، است.

و البته، جایی است که خدا عهد خود را با قومش بست. بنابراین باید حداقل کمی در مورد آن مطالعه کنیم. در اینجا دوباره یک طرح بسیار ساده از منطقه سینا ارائه شده است و ما می‌خواهیم کمی آن را درک کنیم زیرا اگر بخواهیم بگوییم، این فقط یک مثلث یکپارچه نیست.

فقط برای یادآوری، ما اینجا در مورد منطقه بزرگتر نقب صحبت می‌کنیم. اینجا آن بخش کوچکی است که از عروه جدا می‌شود و بیابان زین نامیده می‌شود. اینجا ما قادش برنیع را داریم، درست همینجا.

برای اینکه کمی صحرای نقب را مرور کنیم، اینجا بشریع درست در مرکز پایون و پایه یا سیستم ما قرار دارد. من آن را خیلی ساده کرده‌ام. قرار است انواع شاخک‌ها از این طرف بیرون بیایند.

اما در مورد خود سینا، ما همچنین می‌خواهیم بدانیم که مناطق متمایزی در سینا وجود دارد. بنابراین درست در اینجا، تپه‌های شنی، از آن نوع چیزهایی هستند که مناطقی را که قبلاً در مورد آنها صحبت کرده‌ایم، از نظر دشت فلسطین و شن و ماسه و غیره، مشخص می‌کنند. و سپس کمی بعد به آنچه در شمال دورتر است، برمی‌گردیم.

اما در امتداد این شن‌ها و تپه‌های شنی در منطقه شمالی سینا، راه فلسطینی‌ها خواهد بود. بنابراین، فقط برای یادآوری، وقتی بنی‌اسرائیل مصر را ترک می‌کردند، آن بخش را داریم که می‌گوید خداوند نمی‌خواست آنها راه فلسطینی‌ها را بروند. بنابراین آنها در نهایت تغییر مسیر داده و به راه دیگری می‌روند.

آنها در اینجا از منطقه دریاچه‌های تلخ عبور می‌کنند. در نهایت به کوه سینا می‌رسند. ما قصد داریم یکی از مسیرهای احتمالی که آنها به طور خلاصه طی کردند را دنبال کنیم.

اما بعد از اینکه منطقه شنی شمالی خود را داشته باشیم، همانطور که در شغله دیدیم، ارتفاع تا حدودی افزایش می‌یابد، درست است؟ بنابراین ما کوهپایه‌ها را خواهیم داشت و مسیر قرمز دیگری را درست اینجا خواهید دید. این مسیر ما از فلسطینیان بود. حال، این نشانه‌ای از چیزی است که وقتی هاجر، کنیز مصری سارا، آنجا را ترک می‌کند و به خانه‌اش در مصر برمی‌گردد، داریم. در پیدایش ۱۶ آمده است که او در امتداد مسیر شور می‌رود، که می‌تواند به این خط قلعه‌ها در امتداد مرز مصر اشاره داشته باشد.

جیمز هافمایر، استاد مدرسه الهیات انجیلی ترینیتی، مطالب جالبی در مورد بنی‌اسرائیل در مصر و بنی‌اسرائیل در سینا نوشته است. او همچنین کارهای باستان‌شناسی مهمی در اینجا انجام داده و در مورد آنها نوشته است. بنابراین، در این مرحله فقط یک مرجع، یک پاورقی است. این دو نفر، خب، به عنوان مثال، در صحرا، نسبتاً مهمان‌نواز هستند.

اما بعد به این منطقه می‌رسیم. اسمش اِتی است و واقعاً وسیع و بایر است. تثنیه ۸ آیه ۱۵ درباره آن بیابان وسیع و بایر صحبت می‌کند که خداوند قوم را از آن عبور داد، پر از عقرب و مار، افعی، که برخی از ساکنان این منطقه آنها را می‌شناسند.

و بالاخره، به شمال، دامنه کوه‌ها، اِتی، منطقه‌ای به شدت بایر رفتیم. اینجا کوه‌های گرانیتی خودمان را داریم راستی، ستون زمین‌شناسی‌مان را از سخترانی دوم یا سوممان که خیلی وقت پیش داشتیم یادتان هست؟ گرانیت، سنگ بنا.

علاوه بر آن مواد شنی، ما اینجا سازه‌های شنی داریم. روی آن سنگ آهک، که از نظر ظرفیت آب کمی بیشتر به ما می‌دهد. این به این معنی نیست که اینجا چشمه وجود ندارد، اما تعداد زیادی اینجا نیست، درست است؟ در هر صورت، کوه‌های گرانیتی جنوبی

و اگرچه برای اینکه کاملاً با شما صادق باشم، و کاملاً آشکار کنم، حداقل ۱۱ پیشنهاد در مورد محل قرارگیری کوه سینا در کتاب مقدس وجود دارد. برخی از آنها در این منطقه هستند. در واقع یکی درست همینجاست.

من معمولاً با کسانی که آن را به طور سنتی، حداقل به قرن پنجم، ششم، شاید حتی قبل‌تر، در این منطقه گرانیتی جنوبی، می‌شناسند، همراه می‌شوم. چرا؟ خب، چون خدا قوم خود را هدایت می‌کند، آنها گروهی نامنظم از مردم هستند. آنها هیچ نوع سازمانی ندارند.

آنها قرن‌هاست که برده بوده‌اند. بنابراین پیشنهاد می‌کنم که او آنها را به منطقه‌ای دورافتاده ببرد که برای تبدیل آنها به قوم خود در سال آینده مهم باشد. کمی بیشتر در مورد این موضوع صحبت خواهیم کرد، اما منابع آب باید کمی در مورد آن صحبت کنند.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، باران زیادی نبارید. در برخی از این مکان‌ها چشمه‌ها و واحه‌هایی وجود دارد و بزرگترین آنها، بدون تعجب، در قادش برنیع است. و سپس وقتی به نقشه قبلی نگاه می‌کنیم، دوباره اینجا، این مجموعه خطوط آبی نمادین را می‌بینیم، خیلی بیشتر، اما این خطوط قرار است بخش شمالی فوت‌هیلز و شمال سینا را زهکشی کنند و به دریای مدیترانه بریزند.

و قادش برنیع قرار است در آن منطقه عمومی واقع شود. و سپس چند چشمه اضافی در مکان‌های مختلف فقط یک نوع تور بصری در مسیر اینجا خواهد بود.

ضمناً، باید بگویم که بنی اسرائیل تنها قوم ساکن جنوب سینا نبودند، اگر واقعاً آنجا بودند، به دلیل تجربه عهدشان. شواهدی از معابد مصری نیز در آنجا وجود دارد، مکانی به نام سرابیت الخادم، که مدت‌ها قبل از رسیدن بنی اسرائیل به آنجا، یک معبد مصری بسیار مهم بود. خب، می‌دانید، فرض کنید بنی اسرائیل از دریای نی عبور کرده‌اند، احتمالاً نه دریای سرخ، بلکه دریای نی، منظور عبری همین است، احتمالاً آن منطقه در شمال نوک شمالی خلیج فارس که در اکثر نقشه‌ها دریاچه‌های تلخ نامیده می‌شود، و البته اکنون کانال سوئز است که از آن عبور می‌کند.

اما به هر حال، در طول سفر، در امتداد بخشی از این منطقه، واحه‌هایی وجود دارد. اما وقتی به سمت خشکی دورتر می‌شوید، ناهموار و ناهموار می‌شود. در امتداد وادی‌هایی که به سمت کوه‌های گرانیتی جنوبی امتداد دارند، اینجا یک واحه می‌بینید.

بنی اسرائیل با واحه‌هایی مواجه شدند. آنها بدیهی است که علاوه بر واحه‌ها، به تأمین آب از جانب خدا نیز نیاز داشتند و ما تأمین آب را داریم، به خصوص که روایت را در خروج ۱۷ و سپس اعداد ۲۰ نیز می‌خوانیم. اگر بتوانیم، می‌خواهیم به آن مورد برگردیم.

خب، شروع کردیم. همانطور که گفتم، حتی در منطقه جنوبی سینا، بخش جنوبی شبه جزیره، تعدادی پیشنهاد وجود دارد که ممکن است کوه سینا باشد. این یکی از آنها برای قرن‌های متمادی، یک احتمال، کوه سریال بود.

و یک نوع کلیسای کوچک هم در این منطقه وجود دارد، چون مردم آن را گرامی می‌داشتند. شما می‌توانید واحه را در پایین اینجا ببینید. اما احتمالاً شناخته‌شده‌ترین نامزد ما، این یک کوه سینای هوایی و سنتی است.

اصطلاح کوه در عربی جبل است و به آن جبل موسی، کوه موسی، می‌گویند. در پای آن کوه خاص، که هنوز هم می‌توانید از آن بالا بروید، یک کلیسای کوچک در بالای آن وجود دارد، اما در پای آن صومعه سانتا کاتارینا قرار دارد و ما می‌توانیم حداقل یک روز را صرف یک سخنرانی کنیم، در مورد چیزهایی که درون آن است صحبت کنیم، در مورد مجموعه تمثال‌هایی که از جنبش تمثال‌شکنی جان سالم به در برده‌اند و یک مجموعه تمثال فوق‌العاده هستند صحبت کنیم، در مورد کتابخانه‌ای که تعدادی نسخه خطی مهم را تولید کرده است صحبت کنیم، در مورد این واقعیت صحبت کنیم که در محوطه‌ای که قدمت آن به قرن ششم برمی‌گردد، ما هم یک برج مناره و هم یک برج ناقوس داریم زیرا در برهه‌هایی از زمان جوامع واقعاً به هم پیوسته بودند. خب، این فقط یک پایان برای جایی است که امروز بوده‌ایم، نه اینکه هیچ‌کدام از اینها کامل بوده‌اند، اما به ما یک حس می‌دهند.

ما نقب‌های بزرگتر و مطابق با کتاب مقدس را انجام داده‌ایم. ما مصر را به طور خلاصه با نگاهی کوتاه به خصوص سلسله نوزدهم بررسی کردیم، اما هر دو سلسله هجدهم و نوزدهم بر اسرائیل تأثیر گذاشتند. و در نهایت، ما بر سینا به دلیل اهمیت آن از نظر عهد خدا با قومش و دادن دستورات عمل به آنها در قالب تورات تمرکز کردیم.

ما به این موضوع بسنده می‌کنیم و مطالعه‌ی بعدی‌مان را ادامه خواهیم داد که در مطالعه‌ی منطقه‌ای بعدی اورشلیم خواهد بود.

من دکتر الین فیلیپس هستم در تدریسش در مورد مقدمه‌ای بر مطالعات کتاب مقدس. این جلسه ۵ مطالعات منطقه‌ای: نقب و سینا است.